«آرمان ملی» تغییر حوزه انتخابیه چهره‌های شناخته شده از تهران را بررسی می‌کند

ترس از عدم رای‌آوری یا بهبود شرایط؟

محمدرضا باهنر: وضعیت کنونی شایسته مردم کرمان نیست

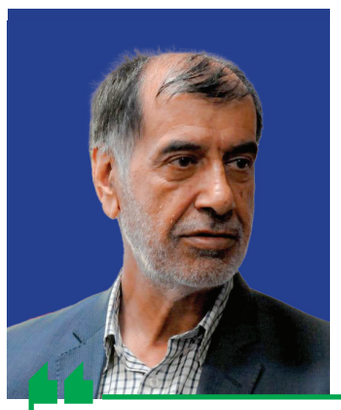

از میان اصولگرایان چهره‌ای که همگان وی را یکی از سرلیست‌های قطعی اصولگرایان در تهران می‌دانستند محمدرضا باهنر، نماینده ادوار مجلس بود. اما وی در کمال ناباوری حوزه انتخابیه خود را از تهران به کرمان و راور تغییر داد تا از این حوزه انتخابیه به مجلس راه یابد. نمونه دیگر از چهره‌های شاخص در این حوزه محمدباقر نوبخت، دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت روحانی است که انتظار می‌رفت تحت عنوان سرلیست اعتدالیون تهران وارد انتخابات شود. اما بر خلاف تکذیب‌های اولیه وی نه از تهران بلکه از حوزه انتخابیه رشت آن هم با گفتن این نکته که مردم رشت از وی درخواست کردند تا از این حوزه کاندید شود تا از این حوزه وارد انتخابات شده است

آرمان ملی- سهیل ثابت: کمتر از یک هفته تا انتخابات مجلس دوازدهم و خبرگان ششم زمان باقی است و از پنج‌شنبه تبلیغات نامزدها در شهرها و استان‌های مختلف آغاز شده است. در این میان احزاب، گروه‌ها و نفراتی که در رقابت‌های انتخاباتی حضور دارند به دنبال حضوری تاثیرگذار هستند و از همین رو است که این روزها شاهد وعده‌های مختلف از سوی نامزدهای انتخاباتی هستیم. این در حالی است که به‌واقع به مساله بنگریم می‌توان گفت که در کمتر مجلسی نامزدهای انتخاباتی وعده‌هایی داده‌اند که به طور کامل به آنها عمل کرده باشند. چه اینکه بعضا وعده‌هایی نیز داده شده که اساسا در توان نامزد انتخاباتی نیز نبوده است اما به هر جهت خواستند با وعده‌های پرطمطراق و خوش آب و رنگ جامعه را به سمت خود شایق و متمایل کنند. از این جهت است که مطرح می‌شود اگر هم نامزدها وعده‌هایی در جهت اخذ بیشتر رای مردم می‌دهند این وعده‌ها باید قابل تحقق باشد تا مردم نسبت به نهادهای انتخابی بی‌اعتماد نشوند. از سوی دیگر نکته دیگری که در انتخابات پیش‌رو مطرح است. حضور برخی چهره‌های شناخته شده و موثر در حوزه‌های انتخابیه استانی و شهرستانی است که در نوع خود جالب توجه و قابل بررسی است. در این راستا شاید بتوان ۲ نمونه را نیز مورد بررسی قرار داد. از میان اصولگرایان چهره‌ای که همگان وی را یکی از سرلیست‌های قطعی اصولگرایان در تهران می‌دانستند محمدرضا باهنر، نماینده ادوار مجلس بود. اما وی در کمال ناباوری حوزه انتخابیه خود را از تهران به کرمان و راور تغییر داد تا از این حوزه انتخابیه به مجلس راه یابد. چنانکه به گفته خودش شرایط کرمان متناسب با ظرفیت‌های این استان و شایسته نیست و باید بهتر شود و از این جهت از این حوزه انتخابیه کاندید شده است. نمونه دیگر از چهره‌های شاخص در این حوزه محمدباقر نوبخت، دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت روحانی است که انتظار می‌رفت تحت عنوان سرلیست اعتدالیون تهران وارد انتخابات شود. اما بر خلاف تکذیب‌های اولیه وی نه از تهران بلکه از حوزه انتخابیه رشت آن هم با گفتن این نکته که مردم رشت از وی درخواست کردند تا از این حوزه کاندید شود از این حوزه وارد انتخابات شده است. اما به نظر می‌رسد که اگر به واقع بخواهیم به موضوع تغییر حوزه‌های انتخابیه ورود کنیم باید این موضوع را نیز در دستور کار داشته باشیم که برخی از این تغییرها به خاطر احساس عدم رای‌آوری در حوزه انتخابیه تهران بوده است. چنانکه باهنر از تهران به کرمان، نوبخت از تهران به رشت و سیدفرید موسوی، نماینده تهران در مجلس دهم از تهران به مراغه و عجب‌شیر تغییر حوزه داده‌اند به این امید که شاید در حوزه جدید رای‌آوری بالایی داشته و به مجلس راه یابند. حال باید تا زمان انتخابات منتظر ماند و دید این تغییر حوزه موثر خواهد بود یا اینکه با تغییر حوزه هم هیچ تغییری حاصل نخواهد شد.

اگر رای بیاورم، با نماینده دیگر کار می‌کنم

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسان اظهار داشت: با توجه به ظرفیت‌های فراوان کرمان، مردم استان نه تنها نباید مهاجرت کنند، بلکه باید استان مهاجرپذیر باشیم. محمدرضا باهنر با بیان اینکه به همه نامزدهای حوزه انتخابیه کرمان و راور احترام می‌گذارم اظهار داشت: هر کدام از نامزدها می‌توانند از اسم، عکس و موقعیت بنده به نفع خودش استفاده کند. وی ادامه با اشاره به اینکه اختلافات غیرضرور میان نمایندگان در کرمان مشکل‌ساز شده گفت: تعهد اخلاقی می‌دهم اگر رای بیاورم با هر نامزد دیگری که انتخاب شود، همگرا، هم‌افزا و همراه کار را جلو می‌بریم. نامزد دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی بیان اینکه اهل اختلاف نیستم عنوان کرد: چیزی که نخبگان کرمان را آزار می‌دهد، اختلاف غیرضرور میان نمایندگان است و این باعث توقف پیشرفت کرمان می‌شود؛ یکی از گلایه‌های مردم نیز این ناهماهنگی و رقابت‌های مخرب نمایندگان است. این فعال سیاسی اذعان کرد: قبول دارم که توزیع نمایندگان عادلانه نبوده است و امکان افزایش نمایندگان در مجلس و ایجاد تعادل در سطح استان باید پیگیری شود. وی افزود: در مرحله ثبت‌نام و پیش ثبت‌نام از حوزه انتخابیه تهران مراحل را انجام دادم، اما به دلیلی که این دوره به لحاظ سنی، آخرین دوره نامزدی و نمایندگی‌ام است، علاقه داشتم در خدمت مردم کرمان باشم. باهنر تصریح کرد: انگیزه اصلی اینجانب برای ثبت‌نام و حضور در انتخابات مجلس در این دوره بیشتر در راستای فرمایشات رهبر معظم انقلاب برای برگزاری انتخابات پرشور و با مشارکت بالا بود.

اهمیت مضاعف مشارکت در این دوره

دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با بیان اینکه در این دوره از انتخابات، میزان مشارکت از نوع انتخاب مهم‌تر است و البته باید تلاش کنیم افراد اصلح انتخاب شوند، به تاکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی برای مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفند اشاره و بیان کرد: غیر از اینکه ما باید تابع نظر رهبر انقلاب به عنوان مرجع تقلید و رهبری نظام جمهوری اسلامی باشیم، پشت تاکیدات ایشان منطق و فلسفه جدی نهفته است. وی تصریح کرد: میزان و کمیت مشارکت در انتخابات می‌تواند در ساحت اقتصاد، سیاست، فرهنگ، دیپلماسی، امنیت ملی و تحریم‌های ظالمانه ضد کشور ما موثر باشد. نامزد دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: اگر خدایی نکرده مشارکت کاهش یابد همه موشک‌ها، تفنگ‌ها در عرصه رسانه‌ای، سیاسی، جنگ ترکیبی و جنگ شناختی ضد ما شروع به شلیک می‌کنند. باهنر افزود: اگر کمیت انتخابات در حد قابل قبول و درخور توجه باشد، می‌تواند بسیاری از طراحی‌های دشمن را خنثی کند و حتی در مقوله تحریم‌ها استدلال و منطق داریم؛ اگر این مشارکت بالا و بالاتر برود، دشمن متوجه می‌شود این ابزار فشار تاثیر معکوس روی مردم می‌گذارد. وی بیان کرد: دشمنان ما از احمق‌ها هستند و هنوز متوجه نشده اند ملت غیور و صبور ایران زیر فشارهای سبعانه و سفاکانه پا پس نمی‌کشند و جایی که این موضوع را می‌توان نشان داد، مساله مشارکت در انتخابات است. رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری بیان کرد: میزان مشارکت در انتخابات، میزان وابستگی مردم را به نظام جمهوری اسلامی ایران، تشریح، تفهیم و تبیین می‌کند، البته اقرار می‌کنیم مردم در اقتصاد و مسائل سیاسی مشکل دارند و برای آینده خود و فرزندانشان نگران هستند، اما مردم پای نظام‌شان ایستادند. این فعال سیاسی تاکید کرد: میزان مشارکت هر چه بالاتر برود بهتر است و اولویت نخست مشارکت است و پس از آن از میان نامزدها بهترین‌ها، مجرب‌ترین‌ها و آنهایی که برنامه و عملکردشان را نشان دادند، انتخاب شوند. وی ادامه داد: مجلس زیاد جای آزمون و خطا نیست، مجلس به آدم‌های فهیم، تحلیلگر، معتقد، رک، صریح و تاثیرگذار نیاز دارد تا روندهای کلی کشور را به سمت و سوی ارتقا و پیشرفت هدایت کند. باهنر اظهار کرد: اگر اختیارات مجلس شورای اسلامی را با اختیارهای قوه مجریه، قوه قضائیه و نهادهای دیگر مقایسه کنیم، گستره اختیارات نمایندگان مجلس زیاد است و از طرفی به تعبیر رهبر معظم انقلاب مجلس باید نقشه راه کشور را ترسیم کند و دولت در آن نقشه راه برود اما این نقشه راه مجلس باید متناسب با ماشین دولت باشد. نماینده ادوار مجلس ابراز داشت: مجلس در چارچوب قانون اساسی در راس امور است و در طول ادوار مجلس شورای اسلامی افرادی که به مجلس رفتند از نیروهای مومن، متعهد و علاقه‌مند به نظام بودند، اما در مجلس ما ۲۹۰ سردار حکمرانی می‌خواهیم.

مسعود نیلی:

درگیر بحث‌های تمام نشدنی هستیم

مسعود نیلی اقتصاددان برجسته ایرانی و برگزیده هشتمین جشنواره کارآفرینی امین‌الضرب در تهران سخنانی بسیار قابل تامل بر زبان آورد. به گزارش عصر ایران مسعود نیلی افزود: چهل سال پیش وقتی پا به عرصه علم اقتصاد گذاشتم، سوال‌هایی بزرگ مرتبط با آرزوهایی بزرگ‌تر در سر داشتم. با اشتیاق می‌خواستم بدانم چگونه می‌توان به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل شد. برای دانستن اینکه آنانی که به این مرحله رسیده‌اند، چه کرده‌اند سر از پا نمی‌شناختم. اینکه یک کشور در حال توسعه برای آنکه بتواند به رشدهای اقتصادی بالا دست پیدا کند لازم است چکار کند برایم دغدغه‌ای جدی بود. طی ۴۰ سال گذشته، بخش زیادی از آنچه یاد گرفته‌ام، پاسخ‌های مختلف و از زوایای مختلف مرتبط با این سوالات بوده است. این سوالات مربوط به رویاهایی بوده‌اند که از همان سال‌های اول در سر داشته‌ام. این رویاها هرچند هیچ‌گاه من را رها نکرده‌اند اما با عبور از مراحل جوانی به میانسالی و سپس مراحل بعدی، تنها پخته‌تر، به هنگام‌تر و واقع‌بینانه‌تر شده‌اند. در مسیر شکل‌گیری و تحولات رویاهایم، توسعه‌یافتگی کشورم را در گاز با قطر، در نفت با عربستان، در توریسم و صنعت با ترکیه و در موقعیت ممتاز جغرافیایی با امارات به عنوان کشورهایی که هرکدام به‌طور منفرد فقط یکی از مواهب ما را دارند، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دادم. وقتی فشار مشکلات طاقت‌فرسا می‌شود، چشم‌ها را می‌بندم و به رویاهایم می‌اندیشم. با خودم می‌گویم، کشوری که در گاز رتبه دوم جهانی را دارد، حتما می‌توانسته اقلا به اندازه نصف همسایه‌اش قطر، گاز صادر کند. کشوری که دارای رتبه چهارم در برخورداری از ذخایر نفتی است، یقینا می‌توانسته به اندازه ۴ میلیون بشکه نفت در روز صادر کند.

راهکار اشتغال زنان و جوان

ما حتما قادر بوده‌ایم که با مشارکت تولیدکننده‌های صنعتی معتبر جهانی بزرگ‌ترین خودروساز و بزرگ‌ترین سازنده لوازم خانگی و ماشین‌آلات و تجهیزات در منطقه پیرامونی خود باشیم و بدون تردید ورود حداقل به اندازه نیمی از تعداد گردشگرانی که به ترکیه می‌روند به ایران تصوری خیالی محسوب نمی‌شده است. با این محاسبات، ما می‌توانسته‌ایم در مجموع، حدود ۳۵۰ میلیارد دلار صادرات و تولید ناخالص داخلی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار داشته باشیم. تحقق تورم ۳ درصد و نرخ بیکاری در همین حدود و رشد اقتصادی بیش از ۵ درصدی آرزوهایی خیالی تلقی نمی‌شده است. در چنین اقتصادی، فقر و بیکاری از کشور رخت بر می‌بست و بی‌معنی می‌شد؛ دیگر کودکی زباله‌گردی نمی‌کرد؛ آن جوان رعنا، کولبری نمی‌کرد؛ آن آموزگار سختکوش، مسافرکشی نمی‌کرد و آن بانوی زحمتکش، از فشار فقر به مرگ دسته‌جمعی خانواده‌اش رونمی‌آورد. در آن رویای شیرین، بهترین دانشگاه‌های جهان با دانشگاه‌های خوب ما همکاری تنگاتنگی می‌داشتند و جوانان تربیت‌یافته ما در مراکز تحقیق و توسعه می‌توانستند هوش مصنوعی را به درون صنایع پتروشیمی و خودرو و دیگر صنایع ببرند. ما می‌توانستیم در مرز تکنولوژی، سازنده خودروهای برقی و خودروهای بدون سرنشین باشیم. ما می‌توانستیم صادرکننده بزرگ صنعتی و خدماتی منطقه باشیم و کم‌آبی را کنترل کنیم. ایران می‌توانست مرکز مالی منطقه بزرگ پیرامونی خود باشد و از این طریق مساله‌ای به نام تنگنای تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی موضوعیت پیدا نمی‌کرد. زنان جوان و تحصیلکرده ما به جای تحمل نرخ‌های بیکاری بیش از ۵۰ درصد، می‌توانستند در کارخانجات و مراکز خدماتی پیشرفته کشور عزیزمان فعالیت کنند. شک نکنید که تعداد زاد و ولد نیز در آن حالت به مراتب بیشتر از حالت هشداردهنده فعلی می‌شد که به محرک‌های عجیب و ناکارآمدی که هر روز اعلام می‌شود پاسخی نمی‌دهد. دولت ما می‌توانست بدون آنکه در تنگنای کسری بودجه مزمن باشد، با بودجه سالانه در حدود ۲۵۰ میلیارد دلار، خدمات عمومی را با کیفیت ممتاز ارایه کند، کارشناسانی با توان را به استخدام درآورد، سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کند. آموزش و بهداشت را با کیفیتی قابل قبول در اقصی نقاط کشور عرضه کند. حمل‌ونقل عمومی را توسعه مکفی دهد به‌گونه‌ای که جابه‌جایی بار و مسافر با قیمت‌های واقعی انرژی به راحتی انجام شود. دولت می‌توانست منابع کافی را برای حفاظت از ظرفیت‌های زیست محیطی مانند دریاچه ارومیه عزیز از یک طرف و میراث فرهنگی و تاریخی از طرف دیگر، اختصاص دهد. به این فهرست رویایی می‌توان همچنان افزود و تصورات ذهنی را متعاقب آن به حرکت درآورد. اما واقعا چه شده است که این‌گونه نیستیم؟ وقتی چشم‌هایم را باز می‌کنم و به اطرافم می‌نگرم، سیل غم‌ها به قلبم هجوم می‌آورد. آخر چطور ممکن است کشوری تا این اندازه ثروتمند، این‌گونه فقیر باشد؟ آیا این باورکردنی است که کشوری با رتبه دوم گاز و رتبه چهارم در نفت، نه‌تنها در تامین انرژی جهانی جایگاهی نداشته باشد بلکه حتی در تامین انرژی مورد نیاز خود نیز دچار مشکل باشد؟ چطور می‌توان پذیرفت که برای کشوری با این حجم عظیم از منابع، دولتی با کسری بودجه مزمن و رو به افزایش، ارایه‌دهنده خدماتی با کیفیت نازل باشد؟ تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان که فاقد هرگونه منابع طبیعی خدادادی بوده اند چگونه توانسته‌اند تورم‌های پایدار زیر ۵ درصد و نرخ‌های بیکاری زیر ۵ درصد و رشدهای اقتصادی بیش از ۵ درصد داشته باشند؟ چرا ما هنوز درگیر بحث‌های تمام‌نشدنی از قبیل اینکه عدالت اجتماعی بهتر است یا رشد اقتصادی- حال آنکه ما خود به هیچ‌یک دست نیافته‌ایم- یا اینکه علم اقتصاد علم است یا شبه‌علم هستیم؟ چرا درحالی‌که بانک‌های ما با نرخ‌های سود در دامنه ۳۰ درصد فعالیت می‌کنند، بانک‌های کشورهای دیگر را که با هزینه ناچیز فعالیت‌های اقتصادی را تامین مالی می‌کنند مورد نکوهش قرار می‌دهیم که ربوی هستند! درحالی‌که کالاهای مصرفی و بعضا واسطه‌ای صنعتی مورد نیاز کشور از طریق مسیرهای کوهستانی و به‌طرزی عجیب و سخت وارد کشور می‌شود. به راستی آیا پاسخی در خور، به این سوالات وجود ندارد؟ در حالی‌که منابع آبی کشور به سرعت در حال اتمام است، تولید انرژی کشور هیچ تناسبی با مصرف به شدت رو به افزایش آن ندارد و ما را به سرعت به بروز بحران انرژی نزدیک می‌کند، بودجه دولت به‌رغم ارایه حداقل خدمات و میزان نازل سرمایه‌گذاری، با کسری نگران‌کننده روبه‌رو است، صندوق‌های بازنشستگی با خطر ورشکسته روبه‌رو هستند، بانک‌ها از مشکلات ناترازی و عدم کفایت سرمایه رنج می‌برند، دریغ از یک سوال مسئولانه که چرا این‌گونه شده‌ایم؟

ذره‌بین

حسین راغفر مطرح کرد:

نارضایتی محصول نظام حکمرانی است

یک تحلیلگر مسائل اقتصادی در تشریح علل تنگناهای اقتصادی در کشور و راه‌های گذر از آن اظهار داشت: با وجود همه تهدیدها و تحدیدها، هنوز هم می‌توانیم برای اصلاح، قدم‌های مثبتی برداریم. البته برای اصلاح باید الزام‌های ضروری را در نظر بگیریم. با این حال باید گفت، برنده‌های فضای فعلی که منفعت‌طلبی را نسبت به مصالح عمومی در اولویت می‌بینند، به الزام‌ها تن نمی‌دهند. در واقع گروه‌های قدرت در اقتصاد کشور، عمدتا سودشان در رشد قیمت‌هاست، یعنی تورم را فرصتی برای بهره‌برداری می‌دانند. حسین راغفر گفت: آن‌هایی که دستمزد ثابت دارند که اکثر قریب به اتفاق کارکنان دولت و حقوق‌بگیران را شامل می‌شود، قربانیان گرانی‌ها هستند. با این توضیح که در این یکی دو سال اخیر، طبقه متوسط هم آسیب‌هایی جدی دیده است. اما در همین زمان، گروه‌های زیادی مثل بسازو بفروش‌ها از افزایش قیمت مسکن که ۲/۵ برابر نرخ تروم است، سود برده‌اند و به همین دلیل طالب بالا رفتن قیمت‌ها هستند. استمرار این وضعیت برای آن‌هایی که دسترسی به اعتبارهای ارزی دارند هم مطلوب است. وی افزود: تورم‌خواهی، در حالی صورت می‌گیرد که گرانی‌ها اکثریب قریب به اتفاق مردم را گرفتار کرده است؛ بنابراین ما به جریان‌هایی که در برخی از کانون‌های تصمیم‌گیری کشور مثل مجلس و ارگان‌های دیگر نمایندگانی دارند و نماینده‌هایشان حامی افزایش قیمت‌ها هستند و سودشان در گرانی است، نمی‌توانیم اعتماد کنیم.

نارضایتی مردم محصول نظام حکمرانی است

این استاد دانشگاه اظهار کرد: اصلاح زمانی محقق می‌شود که در قدم اول در نظام تصمیم‌گیری، آمادگی برای برطرف کردن نواقص وجود داشته باشد و حاضر به تغییر شرایط شوند. در واقع با وجود کانون‌های فساد در جامعه، امکان ترمیم فضای کدر منتفی است. در چنین شرایطی فقط همین‌هایی که دستی در قدرت دارند، یعنی می‌توانند تسهیلات بانکی یا امتیازهای واردات و صادرات و همچنین امتیازهای انحصاری بگیرند، برنده و بقیه بازنده هستند. پس باید عزم سیاسی برای اصلاح وجود داشته باشد و بپذیرند که نابرابری که اصلی‌ترین منشاء نارضایتی عمومی است، محصول نظام حکمرانی است.

راغفر عنوان کرد: توسعه چند رمز دارد، که اولینش عزم سیاسی است. به این معنی که حاکمان حاضر باشند، موانع توسعه را از مسیر پیشرفت بردارند. با این توضیح که توسعه، پدیده‌ای اجتماعی است و به همین دلیل باید فضا را برای مشارکت گروه‌های مختلف فراهم کرد. اما متاسفانه در جامعه ما خیلی‌ها با نفس مشارکت مشکل دارند و اصولا «کار جمعی» را قبول ندارند. به همین دلیل گفتمان ضدمشارکتی را دنبال می‌کنند و تا زمانی‌که قبول نکنند، توسعه امری مشارکتی است، هیچ مشکلی رفع نخواهد شد. وی تصریح کرد: نظام مدیریتی کشور در ۱۸ سال گذشته، یعنی از زمان شروع دولت نهم به ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، با مفهوم توسعه مشکل دارد. یکی از مولفه‌های توسعه، مشارکت گروه‌های مختلف در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. اگر این را بپذیرند، بقیه کارها اصلا سخت نیستند و اصلاحات متناسب در دسترس خواهد بود. اما بنا به دلایلی، مشارکت همچنان مغفول است و به همین دلیل گره‌ها بازنشدنی هستند.

جریان سودجو، دنبال ناآرامی اجتماعی است

این اقتصاددان و پژوهشگر حوزه فقر تاکید کرد: مشکل این است که گروهی عامدانه و عالمانه همه سعی‌شان را به کار می‌گیرند تا برنامه‌های خودشان به نتیجه برسد و سودشان حتمی شود. البته تصور من این است که این گروه‌ها فقط به دنبال منافع شخصی‌شان نیستند و تلاش می‌کنند نارضایتی در جامعه را پررنگ کنند تا زمینه برای ناآرامی‌های اجتماعی آماده شود. یعنی در این که برخی در درون سیستم تصمیم‌گیری اصلی کشور رخنه کرده‌اند، هیچ شک و تردیدی نیست. متاسفانه عده‌ای همچنان با طمع و صرفنظر از اینکه تصمیم‌ها چه آثار سوئی برای جامعه و عموم مردم دارد، فقط به منافع شخصی خودشان نگاه می‌کنند و می‌خواهند سودشان را حداکثر کنند. استاد دانشگاه الزهرا(س) اذعان کرد: جریان‌های نفوذی که متاسفانه در بخش‌هایی از حاکمیتی رسوخ کرده‌اند، با ارائه راه‌حل‌های غیرمنطقی، بیکاری، رکود اقتصادی و همچنین تورم را موجب می‌شوند که این موارد فقر و نابرابری در جامعه را پررنگ می‌کنند. در واقع نفوذ به جایی رسیده که این جریان، در ساختار تصمیم‌گیری جایگاه دارند، خنثی سازی تحرکات‌شان دشوار شده است. راغفر خاطرنشان کرد: شناسایی این گروه دشوار نیست. کافی است ارزش‌ها صرفا مبتنی بر شایستگی فنی و مهارتی افراد شود. در خیلی از کشورهای صنعتی مثل بریتانیا و آمریکا آدم‌هایی که می‌خواهند شاغل شوند، کنترل اولیه‌ای بر کیفیت‌شان می‌شود که در ایران به این مهم توجهی نمی‌شود. به همین دلیل افرادی که در پی آسیب زدن هستند، به راحتی به سیستم ورود می‌کنند. رفع مشکلات و بازگشت به مسیر توسعه به این شرط محقق می‌شود که خیلی از کارهای ما تغییر کنند تا فرصت برای همه مردم فراهم شود و جامعه برای همراهی با سیستم، دلبستگی و تعلق خاطر پیدا کند.

بازتاب

وقتی کاخ سفید تمام‌قد پشت جنایتی می‌ایستد

موج ضدآمریکایی

پس از چند ماه از کشتار در غزه و تداوم جنایت‌های رژیم صهیونیستی، ایالات متحده بار دیگر پیش‌نویس قطعنامه جدید از سوی الجزایر به شورای امنیت را وتو کرد. این در حالی است که ایالات متحده به عنوان اصلی‌ترین صحنه‌گردان جنگ در غزه پیش‌تر هم به کرات اقدام به وتوی قطعنامه‌ها در شورای امنیت کرده است. واشنگتن به موازات آنکه طرف مدعی تلاش برای توقف جنگ در غزه است، در عمل نه تنها اجازه ارسال کمک‌ها به ساکنان این باریکه را نمی‌دهد، بلکه طی پنج ماه اخیر بی‌سابقه‌ترین حمایت تسلیحاتی و لجستیکی از رژیم صهیونیستی را به اجرا درآورده است. با این حال وتوی مجدد قطعنامه از جانب آمریکا موجی از واکنش‌های تند را به دنبال داشت. در همین باره به گزارش شبکه تلویزیونی المیادین، حماس طی در بیانیه‌ای اعلام کرد که اقدام دولت جو بایدن رئیس جمهور آمریکا برای وتوی پیش‌نویس قطعنامه الجزایر در شورای امنیت که خواستار آتش‌بس فوری انسان‌دوستانه و توقف کوچ اجباری فلسطینی‌ها بوده است، را به شدت محکوم می‌کند. حماس افزود: ما به شکست کشاندن این قطعنامه از سوی آمریکا را به منزله متوقف کردن اراده بین‌المللی به نفع برنامه‌های رژیم نازیسم اشغالگر با هدف کشتار و آواره کردن بیشتر مردم فلسطین می‌دانیم. در این بیانیه آمده است که جو بایدن و دولت او مسئولیت مستقیم مانع‌تراشی در روند صدور قطعنامه برای توقف تجاوزگری به غزه را برعهده دارند. این وتو، چراغ سبزی است برای اشغالگران به منظور ارتکاب کشتارهای بیشتر و قتل عام مردم بی‌دفاع ما از طریق بمباران و گرسنگی و همچنین مشارکت مستقیم در جنگ نابودی علیه کودکان و غیرنظامیان بی‌دفاع در نوار غزه است. ریاض منصور، نماینده فلسطین در سازمان ملل متحد هم وتوی قطعنامه آتش‌بس در غزه توسط آمریکا را محکوم کرد و آن را اقدامی «کاملا بی‌ملاحظه و خطرناک» توصیف کرد.

واکنش‌های منطقه‌ای

در سطح منطقه هم وزارت امورخارجه عربستان، قطر، مصر هم وتوی قطعنامه پیشنهادی الجزایر برای برقراری آتش‌بس در غزه توسط آمریکا را محکوم کردند. وزارت امور خارجه عربستان طی بیانیه‌ای اعلام کرد که شورای امنیت سازمان ملل متحد باید به وظیفه خود عمل کند. دولت قطر هم اقدام آمریکا در وتو پیش‌نویس قطعنامه الجزایر درخصوص برقراری آتش‌بس در نوار غزه در شورای امنیت سازمان ملل را نشان از استانداردهای دوگانه جامعه جهانی در قبال فلسطینیان دانست. وزارت خارجه مصر نیز در واکنش به وتوی قطعنامه پیشنهادی آتش‌بس فوری در غزه توسط آمریکا اعلام کرد ممانعت از صدور قطعنامه‌ای که خواستار آتش‌بس در یک درگیری مسلحانه است، «یک سابقه شرم‌آور» در تاریخ شورای امنیت است. علاوه بر این کشورها، محمد علی الحوثی، یکی از اعضای شورای عالی سیاسی گروه انصارا... یمن هم در فیس بوک خود نوشت که یمنی‌ها مشتاقند از دریاهای یمن برای حمایت از برادران خود در غزه بهره ببرند و به ذرت آمریکایی که حاضر به وارد شدن به غزه نیست، نیازی ندارند.

واکنش‌های فرامنطقه‌ای

علاوه بر کشورهای خاورمیانه، کشورهای فرامنطقه‌ای از شرق آسیا تا آمریکای لاتین و حتی در ایالات متحده به وتوی آمریکا واکنش نشان دادند. در این خصوص نماینده چین در سازمان ملل متحد این وتو را چراغ سبزی به ادامه کشتار در این منطقه خواند. جانگ جون، نماینده این کشور در پی وتوی آمریکا تاکید کرد که شورای امنیت باید قاطعانه به نقض جدی قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه در حملات اسرائیل به غزه پاسخ دهد و از حاکمیت جهانی نیز حمایت کند. میگل دیاز کانل، رئیس جمهوری کوبا هم در واکنش به وتوی قطعنامه شورای امنیت درباره غزه توسط آمریکا تاکید کرد که واشنگتن همدست و شریک رژیم صهیونیستی در فاجعه نسل‌کشی فلسطینیان است. شورای مسلمانان آمریکا هم، وتوی قطعنامه آتش‌بس در غزه توسط آمریکا را شرم‌آور خواند و تاکید کرد که جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا نباید همچون وکیل مدافع بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی عمل کند. به گزارش الجزیره، «نهاد عوض» مدیر این شورا بامداد چهارشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد که اقدام آمریکا در وتوی قطعنامه آتش‌بس در شورای امنیت سازمان ملل شرم‌آور است. مدیر شورای روابط آمریکایی-اسلامی (شورای مسلمانان آمریکا) تاکید کرد: ما از مردم آمریکا می‌خواهیم در تماس با کاخ سفید و نمایندگان منتخب خود به مخالفت با حمایت دولت باید از جنایات جنگی دولت اسرائیل ادامه دهند و از آنها بخواهند که به دنبال آتش‌بس، دسترسی به کمک‌های بشردوستانه، اجرای عدالت و صلح پایدار باشند.

استفان دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل در پی وتوی قطعنامه پیشنهادی الجزایر برای برقراری آتش بس فوری در غزه از سوی آمریکا گفت که پنج کشور عضو دارای حق وتو دارای مسئولیت عظیمی هستند. استفان دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل روز سه شنبه به وقت محلی در پاسخ به سوالات متعدد خبرنگاران در مورد وتوی قطعنامه پیشنهادی الجزایر در شورای امنیت به منظور برقراری آتش‌بس فوری در غزه از سوی آمریکا برای سومین بار در حمایت از رژیم اسرائیل گفت: هر عضوی از شورای امنیت که از وتو استفاده کند باید در مقابل مجمع عمومی توضیح دهد و این رویه دوباره اتفاق خواهد شد.

توافق وزرای خارجه ۵ کشور عربی

به دنبال این واکنش‌ها، منابع مطلع از توافق وزرای خارجه پنج کشور عربی بر روی طرحی واحد برای پاسخ به پیشنهاد و طرح آمریکا درباره فلسطین و نوار غزه خبر دادند. اخیرا رایزنی‌های پشت پرده میان گروهی از وزرای خارجه کشورهای عربی انجام شده تا اتحاد بیشتری در قبال درخواست دولت آمریکا درباره مداخله کشورهای عربی برای احیای نقش تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه داشته باشند. در همین رابطه وزرای خارجه کشورهای عربی که بیش از دو هفته پیش در یک نشست مشورتی عربی شرکت کرده بودند، به رایزنی ادامه دادند و بر سر این مساله توافق کردند که باید نقش کشورهای عربی در شکل دادن به آینده صحنه فلسطین، اولین گام در یک طرح جامع و گسترده باشد که به تضمین مشروعیت بین‌المللی تشکیل کشور فلسطین منجر می‌شود.